

بررسی میزان رعایت استانداردهای بین‌المللی آموزشگاه‌های کتابداری ایفلا، در گروه‌های آموزش کتابداری موجود در دانشگاه‌های کشور

دکتر حسن کیانی^۱

چکیده: یکی از مفروضات تدوین "استانداردهای بین‌المللی" در زمینه‌های مختلف، آن است که این معیارها در کشورهایی سودمند افتد که هم اکنون فاقد آنند. در ویرایش ۱۹۷۶ "استانداردهای آموزشگاه‌های کتابداری"، ۱۸ مورد استاندارد مورد شرح، تفسیر و تصویب قرار گرفته است. این مقاله مطالعه کوتاهی است در زمینه میزان رعایت تعدادی از موارد تصویب شده در ایفلا توسط گروه‌های آموزش کتابداری در نظام آموزش عالی ایران. بررسی این "استانداردها" و مقایسه مواردی از آن با وضعیت موجود در ۲۳ گروه آموزش کتابداری در دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی کشور نشان می‌دهد که متأسفانه در شرایط کنونی اکثریت این گروه‌ها مطابقت لازم را با آنچه "استانداردهای ایفلا" در این زمینه تعیین کرده‌اند نداشته و به عبارت دیگر امکانات و تسهیلات آموزشی و غیرآموزشی موجود در اکثریت گروه‌های کتابداری در ایران به سطح قابل قبولی در عرصه رعایت استانداردهای جهانی نرسیده‌اند. توجه به پیشنهادات ارائه شده در این مقاله گامی است مؤثر در جهت اصلاح و بهبود کیفیت آموزش کتابداری در گروه‌های کتابداری مستقر در دانشگاه‌های کشور.

مقدمه

رشد کمی و کیفی فعالیت‌ها و خدمات هر یک از رشته‌های تخصصی در جهان امروز وابسته به عوامل گوناگونی است که مراکز آموزش رسمی تخصصی به میزان نسبتاً زیادی در این

۱. عضو هیأت علمی گروه کتابداری دانشگاه الزهراء (س)

رشد سهیم هستند. توجه واقع بینانه به اصل نیروی انسانی به عنوان یکی از اصول کلی مدیریت، مدیران امروزی را بر آن داشته است تا در اداره امور، حتی الامکان از فارغ‌التحصیلان آموزش‌های رسمی استفاده کنند. منظور از آموزش‌های رسمی، آموزشی است که از طریق نظام‌های آموزش عالی در دانشگاه‌ها به افراد داده می‌شود. پرورش و یا بازپروری نیروی انسانی متخصص مورد نیاز در کشور زمانی به نحو مطلوب تحقق خواهد یافت که این امر در سایه برنامه‌های آموزشی صحیح و منطقی و تأمین امکانات لازم براساس استانداردهای جهانی موجود در این زمینه صورت پذیرد.

تغییرات در نیازهای مراجعان به کتابخانه‌ها و سایر مراکز اطلاع‌رسانی سبب دگرگونی نقش و مهارت کتابداران در ارائه وظایف، مسئولیت‌های آنان در قالب جدید علم "اطلاع‌رسانی" شده است، تا جایی که در حال حاضر میزان موفقیت کتابخانه‌ها را تنها از روی تعداد و انواع منابع موجود در آن نمی‌سنجند، بلکه کیفیت خدمات اطلاع‌رسانی به اعضای کتابخانه یا جامعهٔ مراجعه‌کننده به آن، ملاک ارزش‌گذاری صحیح برای هر کتابخانه است.

با توجه به مراتب فوق تربیت نیروی انسانی متخصص به عنوان بازوهای اجرایی کتابخانه‌ها در ارائه خدمات نوین اطلاع‌رسانی، سرعت فزاینده‌ای یافته است به طوری که آموزش‌های کوتاه مدت کتابداری پاسخگوی نیازهای واقعی فنی و تخصصی کتابخانه‌های کشور نبوده و در بسیاری از موارد تنها بازدهی مطلوبی در تأمین نیروی انسانی نیمه متخصص داشته است.

با آغاز آموزش رسمی کتابداری در سال ۱۳۴۵ و سپری شدن عمر کوتاه ۳۲ ساله، برنامه‌های آموزش رسمی کتابداری در ایران فراز و نشیب‌های بسیاری را پشت سر نهاده و تلاش‌های بسیاری در این زمینه صورت گرفته است. گرچه موفقیت‌های به‌دست آمده در تأمین نیروی انسانی متخصص کتابداری در مقایسه با میزان توسعه و رشد کتابخانه‌ها و خدمات اطلاع‌رسانی نوین کاملاً رضایت‌بخش نیست ولی امید است که در سایهٔ تأمین تسهیلات، امکانات، و آموزش لازم مطابق با آنچه که "استانداردهای بین‌المللی" تعیین کرده است بتوانیم در جهت تربیت نیروی انسانی ماهر و متخصص و ارائه خدمات اطلاع‌رسانی مناسب به جامعه محققان و پژوهشگران کشور قدم برداشته و اعتبار از دست رفته این حرفهٔ مقدس را که روزگاری موجب افتخار و سربلندی کتابخانه‌ها و کتابداران ایرانی در دنیای قدیم غرب و شرق بوده است مجدداً به‌دست آوریم.

تحقق اهداف فوق زمانی میسر خواهد بود که گروه‌های آموزش کتابداری موجود در کشور در جهت بهبود کمی و کیفی آموزش دانشگاهی این رشته حداکثر توان علمی، اداری، و مالی خود را برای رسیدن به استانداردهای قابل قبول در سطح بین‌المللی به کار برده و بدین وسیله با

برنامه‌ریزی‌های صحیح و منطقی و با ارائه برنامه‌های آموزشی مناسب، جذب دانشجویان مستعد و علاقه‌مند، فراهم آوردن بستر مناسب آموزشی و تحقیقاتی جهت دانشجویان و اساتید بتواند با تربیت کتابدارانی واجد شرایط، پاسخگوی نیازهای واقعی جامعه کنونی باشد. بررسی "استانداردهای بین‌المللی" در زمینه آنچه که نیازهای اولیه مدارس کتابداری کارآمد را تشکیل می‌دهد سبب می‌شود تا گروه‌های آموزش کتابداری در دانشگاه‌های کشور متوجه نقاط ضعف و اشکالات اساسی در نظام آموزشی خود شوند و شاید با مشخص شدن میزان عدم تطابق امکانات موجود در گروه‌ها با استانداردهای قابل قبول جهانی بتوان در جهت رفع تنگناها، برنامه‌های لازم را تهیه و اجرا کرد.

بررسی گروه‌های آموزش رسمی کتابداری در کشور

براساس شناسایی به عمل آمده در سال ۱۳۷۷، در مجموع ۲۴ گروه آموزش کتابداری مشتمل بر ۱۹ گروه آموزش کتابداری عمومی، و ۵ گروه آموزش کتابداری با گرایش پزشکی، در دانشگاه‌ها و سایر مراکز آموزش عالی کشور به شرح زیر مشغول فعالیت بوده‌اند^(۱).

الف. گروه‌های آموزش کتابداری مستقر در دانشگاه‌های: تهران، تبریز، شیراز، الزهراء (س)، شهید چمران اهواز، فردوسی مشهد، اصفهان، تربیت مدرس، علامه طباطبایی، شاهد، بیرجند، شهید باهنر کرمان، تربیت معلم تهران، بوشهر (خلیج فارس)، یزد، بوعلی سینا در همدان و رازی در کرمانشاه، این ۱۷ دانشگاه زیر نظر وزارت فرهنگ و آموزش عالی قرار دارند.

ب. گروه‌های آموزش کتابداری پزشکی مستقر در دانشگاه‌های علوم پزشکی ایران، اصفهان، کرمان و تبریز و شهید بهشتی وابسته به وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی هستند.

ج. گروه آموزش کتابداری وابسته به دانشگاه آزاد اسلامی

د. مرکز آموزش عالی کتابداری وابسته به کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

مطالعات انجام شده توسط نگارنده نشان می‌دهد که اختلاف در برنامه‌ریزی‌های کلان در چهارده دسته از مؤسسات آموزش عالی مادر، که متولی امور آموزش رسمی کتابداری در ایران هستند سبب می‌شود تا گروه‌های آموزشی مذکور از تسهیلات و امکانات آموزشی مورد نیاز به‌طور یکسان استفاده نکنند. با توجه به عدم یکنواختی در توزیع امکانات آموزشی، اداری و مالی موجود در مؤسسات آموزشی فوق، در حال حاضر مقایسه نسبی میزان موفقیت، نقاط ضعف، و نقاط قوت در میان گروه‌های بیست و سه گانه فوق به صورت مفرد از حوصله این بحث خارج است و هدف از این مقاله پرداختن به بررسی امکانات موجود در مجموع گروه‌های آموزش کتابداری کشور و مقایسه آن با استانداردی بین‌المللی در زمینه مدارس کتابداری و تعیین

کمبودها، تطابق و عدم تطابق تعدادی از عوامل مورد بررسی از استانداردهای مذکور است. هر چند که تشریح و تفسیر چند عامل از مجموعه عوامل مؤثر در اجرای مطلوب برنامه‌های آموزشی در مدارس کتابداری به تنهایی نمی‌تواند بیانگر نقاط ضعف و قوت در شرایط فعلی باشد، ولی امید است اشاره به این کمبودها هشدار باشد مجدد برای تسریع و تعجیل در انجام اقدامات متقاضی از سوی آن دسته از مسئولان و برنامه‌ریزان محترم آموزش رسمی کتابداری که دلسوزانه و با تمام محدودیت‌ها در صدد حل مسائل و مشکلات و ایجاد تغییرات و تحولات لازم در این رشته هستند.

معرفی استانداردهای آموزشگاه‌های کتابداری، ایفلا

فدراسیون بین‌المللی انجمن‌های کتابداری^۱ که به‌طور اختصاری ایفلا خوانده می‌شود سازمانی است تخصصی در رشته کتابداری که از سال ۱۹۲۷ تأسیس شده است. جلسات عمومی ایفلا معمولاً سالانه در یکی از کشورهای جهان تشکیل می‌شود که در این جلسات علاوه بر امور انتخاباتی مسئولان فدراسیون و مسائل مالی و اداری، بخش‌های متعددی مسئولیت بررسی و بحث و گفت‌وگو پیرامون پیشرفت‌های جدید علم کتابداری و اطلاع‌رسانی و نیز مشکلات موجود و راه‌حل‌های پیشنهادی در سطح محلی، ملی و جهانی را برعهده دارند. در جلسه مجمع عمومی ایفلا در اوت سال ۱۹۷۶ در لوزان سوئیس، بخش مدارس کتابداری ایفلا پیش‌نویس "استانداردهای آموزشگاه‌های کتابداری" را در جلسه ارائه کرد که ضمن بحث و تبادل نظر در مورد آن و پس از انجام اصلاحات و تغییرات لازم، استانداردهای مذکور مورد پذیرش قرار گرفت در همان سال این استاندارد به‌صورت رسمی در مجله ایفلا انتشار یافت^(۲). سال (۱۳۵۵)، خانم شیرین تعاونی متن کامل این استانداردها را عیناً به زبان فارسی ترجمه و آنرا تحت عنوان "استانداردهای آموزشگاه‌های کتابداری" در نامه انجمن کتابداران ایران به چاپ رساند^(۳).

در متن ترجمه شده "استانداردهای آموزشگاه‌های کتابداری" در توجیه ضرورت استانداردها در این زمینه می‌خوانیم که، در حال حاضر آموزش کتابداری در برخی کشورها بسیار پیشرفته است ولی در بیشتر نقاط دنیا وضع موجود چندان دلخواه نیست. سطح برنامه‌های آموزش کتابداری، برنامه درس، شرایط دانشجویان، مشخصات مدرسان، و روش‌های اجرای برنامه‌ها در کشورهای گوناگون بسیار متفاوت است. ضوابط رسمی یا استانداردهای کمی و کیفی

برنامه‌های آموزش کتابداری در چند کشور وجود دارد. این کشورها خود از شمار مناطقی هستند که هم اینک از نظام‌های پیشرفته آموزش کتابداری برخوردارند. یکی از مفروضات تدوین استانداردهای فعلی آن است که این معیارها در کشورهایی سودمند است که هم اکنون فاقد آنند^(۴).

ویرایش ۱۹۷۶، "استانداردهای آموزشگاه‌های کتابداری" شامل مطالب زیر است:

۱. ضرورت استانداردهای آموزش کتابداری؛
۲. تاریخچه پیدایش استانداردهای حاضر؛
۳. فلسفه و نکات عمده استانداردها؛
۴. امکانات اجرایی جهت تحقق استانداردها؛
۵. تعاریف و اصطلاحات؛
۶. استانداردها و تفسیر آنها در ۱۸ مورد؛

از آنجا که تعدادی از استانداردهای تصویب شده ایفلا با داده‌های اطلاعاتی بدست آمده از وضعیت موجود در گروه‌های آموزش کتابداری کشور که حاصل تحقیقات نگارنده است همخوانی نداشت، ناگزیر از بین آنها استانداردهایی می‌بایست مورد مطالعه قرار می‌گرفت که قابلیت اندازه‌گیری آنها با توجه به داده‌های آماری و اطلاعاتی موجود در این تحقیق امکان‌پذیر باشد. از این‌رو در این مقاله تنها تعداد ۱۰ عامل از مجموع ۱۸ مورد استانداردهای تصویب شده به شرح زیر مورد بررسی و مقایسه قرار گرفته است و ذکر عناوین هر یک از استانداردها و تفسیر هر یک از آنها عیناً از روی متن ترجمه شده توسط خانم شیرین تعاونی صورت گرفته و نگارنده مقاله در پایان تفسیر هر یک از "استانداردها" مقایسه‌ای کوتاه با وضعیت موجود در ایران انجام داده و در خاتمه به نتیجه‌گیری کلی دست یافته است.

شرح "استانداردها" و مقایسه با وضعیت موجود گروه‌های آموزش کتابداری در ایران
استاندارد شماره ۱. موقعیت (LOCUS)

لازم است آموزشگاه بخشی از نهاد آموزشی باشد که درجه دانشگاهی و یا معادل آن را اعطا می‌کند و یا خود نهادی مستقل باشد که بتواند آموزشی در سطح دانشگاهی عرضه کرده و درجه‌ای معادل درجه دانشگاهی اعطا کند.

نظام آموزش عالی در ایران به گونه‌ای است که هیچ‌کدام از گروه‌های آموزش کتابداری به صورت "نهادهای مستقل" اداره نمی‌شوند، و برخلاف تعدادی از دانشکده‌ها و یا مدارس کتابداری که در سایر نقاط جهان به صورت ارگانی مستقل و تشکیلاتی واحد به ارائه برنامه‌های آموزشی

خود می‌پردازند، از ۲۴ گروه آموزش کتابداری موجود در ایران، ۲۳ گروه به‌عنوان واحدی از یک "دانشکده" عمل می‌کنند که خود دانشکده هم به‌صورت زیر مجموعه‌ای از سازمانی بزرگتر بنام "دانشگاه" به فعالیت مشغول است. در حالی که یک گروه باقیمانده (مرکز آموزش عالی کتابداری) به‌صورت سازمانی غیردانشگاهی و به‌عنوان یک "مدیریت" از کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران به ارائه برنامه‌های آموزش کتابداری در سطح آموزش‌های کوتاه مدت و نیز مقطع کارشناسی می‌پردازد. لازم به ذکر است که در کشورهای نظیر انگلستان، استرالیا، هندوستان و ... گروه‌های کتابداری هر چند که زیر مجموعه‌ای از یک دانشگاه یا دانشکده هستند ولی عمدتاً از نظر تشکیلات اداری و مالی مستقل عمل می‌کنند. در حالی که در ایران گروه‌های آموزش کتابداری از نظر برنامه‌ریزی‌های آموزشی و اداری و مالی وابستگی کامل به نهادی بزرگتر بنام "دانشکده" دارند و کلیه امکانات و تسهیلات مورد نیاز باید از طریق دانشکده در اختیار آنها قرار گیرد و این همان موردی است که در بسیاری از موارد به صورت ملی گروه‌ها را از انجام برنامه‌ریزی‌های تخصصی، نوآوری‌ها، قدرت دخل و تصرف در اجرای برنامه‌ها، تعیین اولویت‌ها و ... باز می‌دارد. لذا واگذاری اختیار و استقلال بیشتر به گروه‌های آموزشی، کمکی است بزرگ بر حاکمیت نسبی آنها در اجرای برنامه‌های آموزشی خود با توجه به نیازهای خاص و توانایی‌های بالقوه و ویژه در هر کدام از گروه‌ها.

استاندارد شماره ۲. اهداف بلند مدت و کوتاه مدت

هر آموزشگاه باید دارای اهداف و مقاصدی باشد که به روشنی در مدرکی رسمی تعیین و تبیین شود.

با توجه به اینکه هر نهاد باید خود اهداف خویش را تعیین کند، توجیه این استاندارد آن است که هدف‌های بلندمدت تا حد ممکن در چارچوب ملی "واقع‌گرا" بوده و زبانی رسا داشته باشند تا بتوان هدف‌های کوتاه مدت را به راحتی از آن برگرفت.

در حال حاضر اهداف تعیین شده برای گروه‌های آموزش کتابداری در مقاطع مختلف تحصیلی به صورتی کلی و در سطح کلان و در قالب نیل به برنامه‌های متمرکز و در سطح ملی تعیین و اعلام شده است، و کلیه گروه‌های آموزشی در اقصی نقاط کشور بدون در نظر گرفتن شرایط خاص منطقه‌ای، فرهنگی، اقتصادی، و اجتماعی ملزم به پی‌گیری و تبعیت از این اهداف می‌باشند. شکی نیست که یکی از وظایف مدیریت و هیأت علمی در هر دانشگاه این است که با توجه به شرایط خاص زمانی و مکانی، اهداف تعیین شده برای آموزش در هر رشته را بررسی و مورد تجدید نظر قرار دهند و مطابق با نیازهای جامعه مخصوص خود در ایجاد تغییرات و تحولات لازم در اهداف تعیین شده اقدامات مقتضی به عمل آورند. این مسئولیت زمانی به نحو

مطلوب امکان‌پذیر است که دست‌گروه‌های آموزشی در تعیین اهداف بلندمدت و کوتاه مدت با توجه به شرایط زمانی و مکانی خاص، بازتر باشد تا از این راه‌گروه‌ها قادر باشند تناسب و کارایی برنامه‌های آموزشی خود را در قالب اهدافی روشن و مشخص به تجربه مشاهده کنند. به طور کلی بررسی اهداف کلی آموزش کتابداری در مقاطع مختلف دانشگاهی نشان می‌دهد که برخلاف آنچه که در "استانداردهای ایفلا" مورد نظر است، این اهداف از یک طرف از واقع‌گرایی لازم و زبانی ساده برخوردار نیستند و از طرف دیگر ضمن حفظ حالت "کلیشه‌ای" در آن کوشش زیادی در جهت ایجاد تغییرات لازم و هماهنگی و تطابق آن با نیازهای خاص منطقه‌ای و انتظارات جدید جامعه استفاده‌کننده از کتابخانه به عمل نیامده است. از این رو شاهد آن هستیم که ضمن دستیابی به رشد کمی تعداد فارغ‌التحصیلان کتابداری، متأسفانه بازدهی تجربی آنها و میزان توانایی‌های عملی آنها در انجام وظایف جدید ایجاد شده در عرصه "اطلاع‌رسانی" در سطحی مطلوب نیست، و این امر نقص در تعیین و تبیین اهداف بلندمدت و کوتاه مدت را به وضوح نمایان می‌سازد.

استاندارد شماره ۳. پشتوانه مالی

آموزشگاه باید از پشتوانه مالی مناسب و مثبت و بودجه سالیانه قطعی مرتبط با هدف‌های آموزشگاه بهره‌مند گردد.

لازم است آموزشگاه از پشتیبانی مثبت و متعهد نهاد مادر برخوردار باشد. حاصل این پشتیبانی در تخصیص بودجه مناسب مالی و ترغیب آموزشگاه به نوآوری و گسترش فعالیت‌ها مشهود خواهد بود. لازم است بودجه سالیانه معینی به آموزشگاه اختصاص یابد و میزان این بودجه باید با توجه به نیازهای آموزشگاه که از جانب رئیس آن مشخص می‌شود تعیین گردد. با توجه به بیان روشن استاندارد فوق و نگاهی به نظام اداری و مالی در دانشگاه‌های ایران مشخص می‌شود که هیچ‌کدام از گروه‌های آموزش کتابداری در کشور از اصل فوق تبعیت نمی‌کنند. بودجه سالیانه و قطعی برای گروه‌های آموزشی، در دانشگاه‌های کشور امری جا افتاده نیست و کلیه پیش‌بینی‌های بودجه و هزینه‌های لازم در قالب بودجه کلی دانشکده صورت می‌گیرد. به طور کلی وضعیت گروه‌های آموزشی کتابداری در ایران از نظر تخصیص بودجه به گونه‌ای است که به عوامل گوناگونی نظیر رشته تحصیلی، رئیس دانشکده، گرایش‌های فکری، سلیقه‌های شخصی، برداشت شخصی و شناخت از خدمات کتابداری، و نیز میزان قدرت و استقلال مدیریت گروه‌های آموزشی بستگی دارد. در حال حاضر مدیران گروه‌های آموزشی کتابداری در مواردی نظیر پیش‌بینی بودجه سال آینده، تعیین اولویت‌ها، چگونگی هزینه‌کردن و تخصیص قطعی بودجه سالیانه استقلال مطلوبی ندارند، و این وضع نسبت پیدایش شرایط

نامساعدی شده است که نتیجه‌اش سکون در برنامه‌ریزی جهت ایجاد تحولات و تغییرات در چگونگی ارائه برنامه‌های آموزشی در گروه‌ها شده و مشکلات بودجه‌ای منجر به عدم نوآوری و ایجاد انگیزه‌های آموزشی و تحقیقاتی گشته است. ضوابط خشک و بی‌روح و برخوردهای قهرآمیز نظام مالی در دانشگاه‌ها، گروه‌های آموزشی را در انجام آنچه که در جلسات گروه برای دانشجو و روند آموزشی مفید تشخیص می‌دهند دلسرد کرده و حالت بی‌تفاوتی به وجود آمده در بین اعضای هیأت علمی و مدیریت گروه در دراز مدت، گروه‌های آموزشی را از اجرای برنامه‌ها و تلاش در جهت نیل به اهداف تعیین شده باز می‌دارد. عدم تخصیص بودجه کافی و چگونگی در اختیار قراردادن بودجه در زمان اجرای طرح‌ها از جمله مواردی است که همیشه موجبات شکایت اغلب مدیران گروه‌های کتابداری را فراهم آورده است. و لذا نتیجه می‌گیریم که شرایط پیش‌بینی شده در "استانداردهای ایفلا" در زمینه پشتیبانی مالی گروه‌های کتابداری به نحو مطلوب فراهم نمی‌باشد.

استاندارد شماره ۴. جا و مکان آموزشی

اتاق‌های کار، کلاس‌ها، فضای مطالعه، و تجهیزات و وسایل باید متناسب با نیازهای آموزشگاه باشد.

حداقل ضروریات برای نیل به فضایی مناسب و کافی برای فعالیت‌های آموزشی مناسب عبارت است از: اتاق مدیر گروه، اتاق کار برای اعضای هیأت علمی، کلاس‌های درس، اتاق کار منشی گروه، اتاق جلسات، کتابخانه مناسب، کارگاه یا آزمایشگاه، بدیهی است که کلیه فضای مورد نظر باید براساس تعداد دانشجو، تعداد برنامه‌های آموزشی، تعداد اساتید و کارکنان غیرآموزشی و با حفظ نسبت لازم تعیین و اختصاص یابد. تمام اتاق‌ها باید دارای درجه حرارت مناسب بوده و از سروصدا و دیگر اختلالات که موجب پریشانی حواس است عاری باشد. بررسی نظرات ارائه شده از سوی مدیران و اعضای هیأت علمی گروه‌های آموزش کتابداری در ایران نشان می‌دهد که اغلب آنها فضاهای آموزشی و کمک آموزشی موجود را در سطح مطلوب نمی‌دانند که این امر طبعاً تأثیرات منفی زیادی در کیفیت فعالیت‌های آموزشی آنها داشته است. عدم افزایش تعداد کلاس‌های درس متناسب با تعداد دانشجویان، عدم اختصاص اتاق کار و مطالعه برای مدرسان، نداشتن دفتر مستقلی برای پی‌گیری امور آموزشی و اداری از سوی دانشجویان و مدرسان، نداشتن فضای کافی جهت انجام دروس عملی، عدم اختصاص فضای کافی برای کتابخانه و یا کارگاه آموزشی و... از جمله مواردی هستند که مورد گلایه تعدادی از گروه‌های آموزشی در کشور بوده‌اند.

بررسی وضعیت موجود در اکثریت گروه‌های آموزش کتابداری کشور نشان می‌دهد که به

تناسب امکانات موجود در دانشگاه‌های مختلف عوامل تعیین شده جهت فضاهای لازم آموزشی و کمک آموزشی در بسیاری از موارد خارج از "استانداردهای ایفلا" بوده و این امر در پاره‌ای از مناطق محروم که بدون مطالعات کارشناسی قبلی اقدام به تأسیس گروه‌های آموزشی کرده‌اند سبب رکود فعالیت‌های آموزشی و گاه توقف این فعالیت‌ها برای مدت معینی می‌گردد. نتیجه‌گیری کلی اینکه در حال حاضر ساختمان و فضای موجود در اکثر گروه‌های آموزش کتابداری از نظر شرایط کمی و کیفی و نیز از نظر لوازم و تجهیزات در اختیار قرار داده شده متناسب با برنامه‌های آموزشی ارائه شده و افزایش دانشجویان، با وضعیت تعیین شده در "استانداردهای ایفلا" مطابقت کافی و مناسب را ندارد.

استاندارد شماره ۵. کتابخانه

مجموعه کتابخانه باید از عمق و گستردگی در جهت پشتیبانی از برنامه آموزشی آموزشگاه، دروس جنبی، و کوشش‌های پژوهشی مدرسان برخوردار باشد.

مجموعه کتابخانه آموزشگاه باید از لحاظ کمی و کیفی قادر به برآوردن تمام نیازهای آموزشی و پژوهشی آموزشگاه باشد (با احتمال استثنا برخی نیازهای بسیار پیشرفته، و تخصصی پژوهشگران). دروس خارج از برنامه آموزشگاه (یعنی دروس غیرکتابداری) نیز باید پشتوانه مناسبی از منابع و رسانه‌های گوناگون کتابخانه داشته باشد. رعایت موضوع اخیر به‌ویژه در آموزشگاه‌های مستقل که دسترسی به مجموعه کلی ندارند مهم‌تر است. شمار کتاب به ازای هر دانشجوی آموزشگاه نباید کمتر از تعداد متوسط کتاب به ازای هر دانشجو در نهادهای آموزشی مشابه کشور باشد. موجودی کتابخانه در زمینه‌های مرجع و کتابشناسی باید به حدی تخصصی و غنی باشد که مجال مطالعه و تمرین کافی برای تمام دانشجویان در زمینه‌های دروس مرجع و کتابشناسی موضوعی فراهم آورد. مجموعه کتابخانه باید معطوف به دربرگیری تمامی رسانه‌های چاپی و غیرچاپی کشور در زمینه‌های کتابداری و علم اطلاعات باشد. کتابخانه باید از نظام فهرست‌نویسی و رده‌بندی نوین برخوردار بوده و کتابداران متخصص کتابخانه و مدرسان کتابداری به‌صورت مشترک مسئولیت‌گزینش مواد برای این مجموعه را برعهده داشته باشند. بودجه اختصاص داده شده جهت فراهم‌آوری مواد کتابخانه‌ای باید کافی باشد تا بدان وسیله بتوان به‌طور مستمر و مداوم و گسترده، منابع تازه را بدین مجموعه افزود. وضعیت مطلوب پیش‌بینی شده در استانداردهای ایفلا به شرح فوق، داشتن کتابخانه‌ای مجهز از نظر کمی و کیفی که قادر به برآوردن کلیه نیازهای آموزشی و پژوهشی دانشجویان و اساتید در هر یک از گروه‌های آموزش کتابداری باشد را اجتناب‌ناپذیر می‌سازد. تعداد کافی عناوین کتاب‌های تخصصی، کتاب‌های مرجع، منابع و ابزار کار، نشریات ادواری، مواد

دیداری - شنیداری و ... به نسبت‌های لازم پیش‌بینی شده در کتابخانه‌های دانشگاهی که متناسب با تعداد دانشجویان و اساتید نیز باید باشد از ارکان اصلی موجودیت هر یک از گروه‌های آموزش کتابداری به حساب می‌آید.

بررسی ساختاری و تشکیلاتی دانشکده‌ها در دانشگاه‌های ایران به گونه‌ای است که اکثریت گروه‌های آموزش کتابداری فاقد کتابخانه‌ای مستقل هستند و معمولاً کتابخانه دانشکده‌ای مسئولیت تهیه و گردآوری منابع مطالعاتی مربوط به کلیه رشته‌های آموزشی را برعهده دارد. در چنین مواقعی عوامل بسیاری نظیر: گرایش‌های تحصیلی و فکری ریاست دانشکده یا ریاست کتابخانه و طرز تلقی وی از میزان اهمیت رشته‌های موجود در دانشکده، ضعف و قدرت مدیریت گروه‌ها، تعداد دانشجویان، مقاطع تحصیلی و ... سبب می‌شود تا کلیه گروه‌های آموزشی به صورتی یکسان نتوانند از مجموعه‌ای مناسب با فعالیت‌های آموزشی خود بهره‌مند شوند. بررسی‌های به عمل آمده توسط نگارنده نشان داده است که اکثریت اساتید کتابداری کشور در سؤال مربوط به کافی بودن و روزآمد بودن منابع مطالعاتی قابل دسترسی در گروه و یا کتابخانه اظهار عدم رضایت کرده‌اند که بالطبع این عدم رضایت اساتید، دانشجویان ذریبط را نیز در برمی‌گیرد.

فقدان کتابخانه مستقل در اکثریت گروه‌های آموزشی کتابداری در ایران و استفاده دانشجویان و اساتید از کتابخانه دانشکده یا کتابخانه مرکزی در بسیاری از موارد شرایط نامطلوبی را ایجاد کرده که انگیزه مطالعه پژوهش بیشتر را در آنها به شدت کاهش داده است در حالی که تأسیس کتابخانه مخصوص گروه در جوار محل آموزشی، علاوه بر سهولت دسترسی به منابع تخصصی مورد نیاز، محلی خواهد بود برای برگزاری تعدادی از کلاس‌های دروس نظری و عملی که نیاز به استفاده از منابع مرجع و تخصصی دارند.

به‌طور کلی شرایط مورد نظر در "استانداردهای ایفلا" و مقایسه آن با وضعیت موجود در کتابخانه‌های مورد استفاده گروه‌های آموزشی کتابداری در کشور نشان می‌دهد که جز در چند مورد که از این نظر اعلام رضایت کرده‌اند در بسیاری از موارد، کتابخانه‌های مورد استفاده آن‌چنان از رشد و توسعه برخوردار نیستند که بتوانند با استانداردهای مزبور مطابقت داشته باشند.

استاندارد شماره ۶. هیأت علمی آموزشی

اعضای هیأت علمی آموزشی باید از تجربیات ارزشمند تخصصی، مدارج تحصیلی رسمی، و توانایی تدریس برخوردار باشند. لازم است به ازای هر ۱۲ نفر دانشجوی تمام وقت (یا معادل تمام وقت) یک نفر مربی تمام وقت (با معادل تمام وقت) وجود داشته باشد.

مدرسان باید دست کم دارای مدرک فوق‌لیسانس در کتابداری باشند. تمام مربیان باید تجربه

کاری در زمینه کتابداری و یا علم اطلاعات داشته باشند. هر فرد باید دروسی را آموزش دهد که به سبب تجربه کاری و یا تحصیل تخصصی در آن تبحر یافته است. مربیان باید توان تدریس داشته باشند و بتوانند صلاحیت هدف‌ها و روش کار خود را به روشنی بیان کنند. همواره نسبت معینی از مدرسان باید تمام وقت بوده و کاری در خارج از آموزشگاه نداشته باشند. مدرسان باید در انجمن‌های حرفه‌ای فعال بوده و دست‌اندر کار پژوهش باشند. به‌طور مداوم و مستمر هنر آموزش را بیاموزند، و در مسائل مدیریت و تصمیم‌گیری همانند همکاران خود در واحدهای مشابه مؤثر باشند.

با توجه به عوامل مورد ذکر در استاندارد فوق، در می‌یابیم که اعضای هیأت علمی گروه‌های کتابداری تا چه اندازه می‌توانند در پیشبرد برنامه‌های آموزشی گروه نقش مؤثری داشته باشند. در این زمینه "استانداردهای ایفلا" به عواملی نظیر میزان تحصیل و تخصص مدرسان، تجارب آموزشی، تمام وقت بودن فعالیت‌های آموزشی در گروه، فعالیت‌های تخصصی در سازمان‌های حرفه‌ای، سوابق تحقیقاتی و پژوهشی، طی دوره‌های تکمیلی آموزشی، مشارکت در مسائل مدیریتی و تصمیم‌گیری‌ها، اوقات فراغت جهت مطالعات تخصصی و... توجه کافی مبذول داشته است.

بررسی وضعیت ظاهری گروه‌های آموزش کتابداری در ایران نشان می‌دهد که کمبود مدرسان کتابداری با تجربه و آگاه به دانش روز از یک طرف و رویارویی همین تعداد اندک نیز با مسائل و مشکلات فراوان اقتصادی از طرف دیگر سبب شده تا برخلاف اصول ذکر شده در استاندارد فوق، قسمتی از توان علمی و عملی این دسته از مدرسان واجد شرایط گهگاه صرف امور غیرآموزشی گشته و فرصت پرداختن کافی به مطالعات، تحقیقات، و تألیفات را نداشته باشند. در بررسی‌های به عمل آمده و براساس اطلاعات قابل دسترس، تعداد کل مدرسان کتابداری که در سال ۱۳۷۶ در تعداد ۲۰ گروه آموزش کتابداری در سطح کشور به صورت تمام وقت و پاره‌وقت مشغول فعالیت‌های آموزشی بوده‌اند رقمی حدود ۱۱۰ نفر را تشکیل می‌دهد. از این تعداد حدود ۸۳ درصد از مدرسان تمام وقت شناسایی شده در مرتبه مربی، حدود ۱۱ درصد استادیار، ۵ درصد دانشیار و فقط یک نفر (کمتر از ۱ درصد) دارای مرتبه استادی بوده است. از نظر تحصیلات قسمت اعظم کادر هیأت علمی بررسی شده در تاریخ فوق در این رشته را مدرسان فوق‌لیسانس (۸۵ درصد) تشکیل داده‌اند.

با توجه به نسبت مناسب بین تعداد استاد و دانشجو که از سوی "استانداردهای ایفلا" $\frac{1}{12}$ اعلام شده است در می‌یابیم که با توجه به دانشجویان شاغل به تحصیل در رشته کتابداری و تعداد مدرسان در این رشته، نسبت تعیین شده در گروه‌های آموزش کتابداری کشور برقرار

نیست. براساس بررسی‌های به عمل آمده، در سال تحصیلی ۷۵-۱۳۷۶ جمعاً حدود ۸۳۰ نفر دانشجوی جدید در ۲۰ گروه آموزش کتابداری در کشور در سطوح مختلف تحصیلی ثبت‌نام شده‌اند. چنانچه تعداد کل دانشجویان کتابداری شاغل به تحصیل در کشور را سه برابر رقم فوق فرض کنیم مشاهده می‌کنیم که نسبت بین تعداد استاد و دانشجو به $\frac{۱}{۲۴}$ می‌رسد که این نسبت حدود ۱۰۰ درصد از نسبت تعیین شده از سوی ایفلا کمتر می‌باشد.

بررسی سایر شرایط لازم اعلام شده در "استانداردهای ایفلا" در مورد اعضای هیأت علمی در مدارس کتابداری نظیر فعالیت‌های تخصصی مدرسان در انجمن‌ها و سازمان‌های علمی و تخصصی داخلی و خارجی، سوابق تحقیقاتی و پژوهشی، طی دوره‌های تکمیلی آموزشی، مشارکت در مسائل مدیریتی، و... و مقایسه این شرایط با وضعیت موجود در میان مدرسان کتابداری در ایران نشان از عدم تطابق این وضعیت با استانداردهای مذکور دارد و از این‌رو نظام آموزش عالی کتابداری در کشور نیازمند برنامه‌ریزی دقیق‌تری در زمینه تربیت و تأمین نیروی انسانی متخصص و واجد شرایط در این زمینه است. ایجاد تسهیلات و امکانات لازم جهت تأسیس دوره دکتری کتابداری در کشور و شرکت دادن مدرسان فعلی در گروه‌های آموزشی در دوره‌های تحصیلات تکمیلی تا درجه دکتری از اقدامات مؤثری است که سبب غنای علمی بیشتر مدرسان موجود و انگیزه‌ای جهت جذب متخصصان بیشتر در گروه‌های آموزشی این رشته خواهد بود.

استاندار شماره ۷. برنامه‌های آموزشی

برنامه آموزشی باید مرکب از یک سلسله درس‌ها و تجربیات آموزشی پیوسته و مرتبط، در جهت برآوردن هدف‌های خاص برنامه باشد. برنامه آموزش باید در سطح دانشگاهی، مطابق با رهنمودهای "استاندارد بین‌المللی رده‌بندی تحصیلات" یونسکو برای سطح سوم عرضه شود. لازم است بر اصول و مفاهیم بیش از رویه‌های جاری تأکید شود. تمام دانشجویان باید دروس پایه را به صورت اجباری و دروس اختصاصی را به طور اختیاری برگزینند. آموزش دروس معلومات عمومی باید بخش مهمی از برنامه را در برگیرد.

برنامه آموزشی شامل کلاس‌های رسمی، کارهای تحقیقاتی، گردش‌های علمی، میزگردهای غیررسمی و کار عملی خواهد بود. در طرح‌ریزی برنامه، نخستین اصلی که باید در نظر داشت، اجرای هدف‌های کوتاه مدت آموزشی است. دروس کتابداری باید در سطح بالاتر از دیپلم دبیرستان تدریس شود؛ سطحی که معمولاً "دانشگاهی" و در قاموس یونسکو "سطح سوم" نامیده می‌شود. بررسی دوره‌های آموزشی کتابداری در دنیا نشان می‌دهد که این دوره‌ها به طور معمول بر دو گونه‌اند:

۱. دوره‌های پس از دیپلم متوسطه (دوره دو ساله کاردانی یا دوره چهار ساله کارشناسی).
براساس استاندارد بین‌المللی رده‌بندی تحصیلات، یونسکو این دوره‌ها را مرحله اول سطح سوم آموزش نام نهاده است.

۲. دوره‌های پس از کارشناسی (دوره دو ساله کارشناسی ارشد، دوره دکتری) که یونسکو این دوره‌ها را مرحله دوم سطح سوم آموزش نام نهاده است.

در مورد برنامه‌های درسی تعیین شده در سطوح مختلف تحصیلی (دوره‌های ذکر شده در فوق) در ایران همان‌گونه که قبلاً توضیح داده شد این برنامه‌ها به صورت متمرکز در کمیته تخصصی کتابداری تعیین شده و در سطح کلان و با اهداف بلند مدت و کوتاه مدت به کلیه گروه‌های آموزشی کتابداری در کشور ابلاغ می‌گردد. از آنجا که دافعه بحث در مورد واحدهای درسی و تقسیمات آنها به مواردی نظیر دروس پایه، اختیاری، اجباری، اختصاصی و... بسیار وسیع‌تر از آن است که در حوصله این بحث باشد، از این‌رو در همین حد اکتفا خواهد شد که به‌طور کلی برنامه‌های درسی آموزش کتابداری در ایران جوابگوی نیازهای واقعی و کنونی کتابخانه‌ها و سایر مراکز اطلاع‌رسانی نیست، زیرا از یک طرف گسترش فن‌آوری جدید اطلاع‌رسانی و خدمات رایانه‌ای سبب بالا رفتن انتظارات مراجعان به کتابخانه‌ها گشته و از طرف دیگر کنترل اطلاعات ایجاد شده که "انفجار اطلاعات" را به دنبال داشته است با نظام‌های دستی بسیار مشکل به نظر می‌آید و این دو عامل موجب گشته‌اند که تربیت نیروی انسانی متخصص با بهره‌گیری از مواد درسی کهنه و کم اثر که هم اینک نیز در کلاس‌های کتابداری دانشگاه‌های ایران تدریس می‌شوند، بیگانگی و فاصله بین فارغ‌التحصیلان کتابداری و جامعه جدید پژوهشگر ایجاد کند.

"استانداردهای ایفلا" توجه اکید دارد که آموزش کتابداران فارغ‌التحصیل از دوره‌های کاردانی و کارشناسی حتماً به مرحله کارشناسی ارشد و یا دکتری رسانیده شوند. در تفسیر برنامه‌های آموزشی مندرج در استانداردهای مذکور آمده است که در برخی کشورها که آموزش کتابداری تازه پا گرفته است این توصیه چندان عملی نمی‌شود و در صورتی که در مدارس کتابداری برنامه‌های آموزشی کتابدار فقط به مرحله اول سطح سوم (دوره‌های کاردانی و کارشناسی) محدود باشد، دسترسی به سایر استانداردهای برنامه آموزشی درگیر دشواری‌هایی خواهد شد. در حال حاضر برنامه‌های آموزشی ارائه شده از سوی ۲۳ گروه آموزش کتابداری مشتمل بر ۶ برنامه در سطح کاردانی (فوق دیپلم)، ۱۶ برنامه در سطح کارشناسی (لیسانس)، ۷ برنامه در سطح کارشناسی ارشد (فوق لیسانس) و تنها یک برنامه آموزش در سطح دکتری در دانشگاه آزاد اسلامی است. با توجه به توصیه ایفلا در زمینه ارتقای آموزش فارغ‌التحصیلان دوره کارشناسی،

ملاحظه می‌شود که وجود ۷ برنامه کارشناسی ارشد در مقابل تعداد فارغ‌التحصیلان دوره کارشناسی در ۱۶ گروه آموزشی به هیچ‌وجه پاسخگو نخواهد بود. اثرات منفی این مشکل زمانی به اوج خود خواهد رسید که می‌بینیم براساس نظام پذیرش دانشجو در دوره کارشناسی ارشد کتابداری اکثریت مطلق راه یافتگان به این دوره را فارغ‌التحصیلان غیرکتابداری نظیر رشته‌های زبان انگلیسی، علوم اجتماعی و ... تشکیل می‌دهند و در حقیقت ظرفیت نهایی کلاس‌های کارشناسی ارشد توسط کسانی اشغال می‌شود که پس از فراغت از تحصیل احتمال اینکه وارد حرفه کتابداری نشوند وجود دارد.

در ادامه بررسی وضعیت برنامه‌های آموزش کتابداری باید اذعان کرد که تغییرات پی‌درپی در برنامه‌ریزی‌های درسی برای مقاطع مختلف و عدم ثبات در تصمیم‌گیری‌ها موجب پیدایش بلاتکلیفی و سردرگمی زیادی در میان دانشجویان و مدرسان گشته است. حذف دوره کارشناسی و ایجاد مقطع کاردانی و سپس تأسیس دوره کارشناسی ناپیوسته و در پی آن دوره کارشناسی پیوسته سبب بهم‌ریختگی در برنامه‌های درسی و گاهی رقیق و غلیظ شدن محتوای دروس گردید.

استاندارد شماره ۸. آموزش مستمر و تکمیلی

آموزشگاه باید دوره‌های کارورزی و آموزش کوتاه مدت برای استفاده کتابداران شاغل برگزار کند.

آموزش مستمر برای فارغ‌التحصیلان رشته کتابداری عبارت است از فرایندهای آموزشی که به‌طور عمده منجر به آگاهی رسانی جاری به متخصصان این علم در دوران پس از فراغت از تحصیل می‌گردد. این آموزش باید دارای هدف‌های ویژه و روشن باشد، بودجه مناسب و جداگانه‌ای برای آن اختصاص داده شود، مدیران آموزشی و هیأت علمی شایسته و واجد شرایط مسئولیت برگزاری دوره‌ها را برعهده داشته باشند. و بالاخره روش‌هایی معین و منطقی برای ارزشیابی نتایج هر برنامه آموزشی پیش‌بینی گردد. در اجرای برنامه‌های آموزش مستمر که معمولاً به‌صورت کوتاه مدت انجام می‌پذیرد، لازم است دروس تخصصی این‌گونه دوره‌ها به نوبت ارائه شود و در این میان به نیازها، نوآوری‌ها، و مسائل و مشکلات شناخته شده حرفه در شرایط مختلف جغرافیایی، فرهنگی، اجتماعی، و اقتصادی توجه شود.

با توجه به تأکیدهای فوق در رعایت "استانداردهای ایفلا" و ضمن بررسی‌های به عمل آمده از طریق مشاهده به وضوح روشن است که در ایران اکثریت متخصصان کتابداری پس از اتمام تحصیلات دانشگاهی و پس از جذب در مشاغل گوناگون آموزشی، اجرایی و تحقیقاتی، تقریباً به‌حال خود رها شده‌اند و در بسیاری از موارد سازمان‌های استخدام کننده و نیز دانشگاه‌هایی که کتابداران از آنجا فارغ‌التحصیل شده‌اند، هیچگونه برنامه‌های آموزشی مستمر برای کتابداران

متخصص تحت پوشش خود را دنبال نکرده‌اند، بازدهی تجربی فارغ‌التحصیلان این رشته در مقاطع تحصیلی مختلف نشان می‌دهد که میزان توانایی عملی آنها در رویارویی با امور جاری کتابخانه‌ها در سطح مطلوب نیست، ولو اینکه تعدادی از این کتابداران با نمرات بسیار خوبی نیز فارغ‌التحصیل شده باشند.

بررسی دوره‌های آموزش ضمن خدمت و یا دوره‌های کوتاه مدت کتابداری که از سوی دانشگاه‌ها و سایر سازمان‌ها برگزار می‌شوند نشان می‌دهد که اکثریت شرکت‌کنندگان در این کلاس‌ها را کتابداران غیرمتخصص با تحصیلات دیپلم و یا لیسانسیه‌های سایر رشته‌ها تشکیل داده‌اند. ادامه این وضع در دراز مدت سبب بیگانگی کتابداران متخصص از پیشرفت‌های تخصصی و وضعیت جدید کتابداری و اطلاع‌رسانی در دنیا می‌گردد تا جایی که مشاهده می‌شود در بسیاری از کتابخانه‌ها، دامنه اطلاعات فنی و تخصصی کتابداران فارغ‌التحصیل تنها محدود به فراگیری‌های آنها در دوران تحصیل در دانشگاه‌ها است. لذا تأکید لازم بر توصیه‌های ایفلا در زمینه تشکیل کلاس‌های تخصصی در دروس مختلف نظری و عملی برای کتابداران متخصص در این رشته گامی است مؤثر در جهت ارائه خدمات نوین اطلاع‌رسانی که مورد درخواست محققان و پژوهشگران است.

استاندارد شماره ۹. پذیرش دانشجو

گزینش دانشجو باید بر مبنای ضوابط روشن باشد؛ از جمله ضوابط ضروری، هوش زیاد، پیشینه تحصیلی عالی، و شخصیتی مناسب است.

گزینش دانشجو باید بر مبنای ضوابطی روشن باشد که قبلاً به آگاهی داوطلبان رسیده است. هدف اصلی این ضوابط باید شناسایی و تشخیص کسانی باشد که می‌توانند به پیشبرد حرفه کتابداری و حل مسائل آن یاری دهند. کسانی که در دوره کتابداری پذیرفته می‌شوند باید پیشینه تحصیلی عالی، هوش زیاد، توان حل مسائل، احساس مسئولیت نسبت به حرفه کتابداری، و تمایل و توانایی کار با افراد متفاوت را داشته باشند. معمولاً هر آموزشگاه برای ارزیابی داوطلبان از روشی ویژه استفاده می‌کند. به‌طور کلی، در مورد ارزشمندی روش مصاحبه حضوری با هر داوطلب اتفاق نظر وجود دارد. لازم است تمام ضوابط پذیرش دانشجو و همچنین روش‌های جاری برای این کار، به‌طور منظم و مستمر ارزیابی شده و در صورت لزوم مورد تجدید نظر قرار گیرد.

امرگزینش دانشجو در نظام آموزش عالی ایران دارای نواقص بسیاری است که بارها مورد بحث کارشناسان مسائل آموزشی قرار گرفته است ولی تا به حال با وجود کلیه راه‌کارها و تغییراتی که در جهت بهبود کمی و کیفی وضعیت فعلی حاصل گردیده است، هنوز به راه‌حلی نهایی و منطقی در این زمینه دست نیافته‌ایم. در شرایطی که اشتغال به حرفه کتابداری،

علاقه‌مندی، توانایی، و صفات خاصی را طلب می‌کند، پذیرش دانشجو با شیوه متمرکز موجود یکی از نقاط ضعف عمده‌ای است که در نظام آموزشی این رشته وجود دارد. ساده‌انگاری کار در کتابخانه‌ها و عدم شناخت صحیح از این رشته در میان سایر رشته‌های دانشگاهی سبب پیدایش نیروی گریز از آن در بین جوانان با استعداد برای تحصیلات عالی شده است، و به همین دلیل معمولاً داوطلبانی پای به عرصه آموزشی این رشته می‌گذارند که عمدتاً بدون شناخت، انگیزه، و علاقه لازم و بعضاً به صورت تصادفی و فقط برای ورود به دانشگاه آن‌را انتخاب می‌کنند.

در حال حاضر نظام پذیرش دانشجوی کتابداری در سطح کاردانی و کارشناسی به صورتی هم‌زمان و متمرکز در کل کشور و فقط براساس نمرات آزمون ورودی صورت می‌گیرد و عدم اختصاص معیارهایی دیگر نظیر سابقه کار کتابداری، مصاحبه، و سایر توانایی‌های علمی و عملی، تعداد زیادی از دانشجویان ورودی را با انبوهی از بدبینی و یا خوش‌بینی‌های کاذب روبه‌رو می‌کند.

پذیرش دانشجو در دوره کارشناسی ارشد نیز وضع بهتری از آنچه که گذشت ندارد. عدم گزینش صحیح دانشجویان علاقه‌مند و آشنا به حرفه کتابداری برای دوره کارشناسی ارشدگاهی سبب اتلاف سرمایه ملی و عدم بهره‌وری لازم از فارغ‌التحصیلان گشته است و در شرایطی که کارشناسان کتابداری به دلایل ذکر شده عمدتاً قادر به ورود به این مقطع نیستند، شاهد هستیم که سالانه تعدادی از کارشناسان غیرکتابداری که در پاره‌ای موارد هیچ‌گونه علاقه و شناخت واقعی نسبت به این رشته ندارند از طریق گزینش متمرکز وارد دوره شده و پس از اتمام تحصیلات نیز به کار کتابداری نمی‌پردازند، بدون اینکه تأثیر منفی در روند کمی و کیفی کتابداری ایران برجای بگذارند.

بررسی دقیق شرایط دانشجویان ورودی به دوره کتابداری در ایران و مقایسه با صفات لازم دانشجویان کتابداری در "استانداردهای ایفلا"، تفاوت‌ها را به خوبی نمایان می‌سازد و ادامه این وضع سبب جذب بیشتر دانشجویانی خواهد شد که از شایستگی‌های لازم نظیر هوش، سوابق تحصیلی قبلی مناسب، علاقه‌مندی، توانایی‌های عملی، و شناخت قبلی از رشته برخوردار نیستند.

استاندارد شماره ۱۰. برنامه‌ریزی

لازم است طرحی روشن و انعطاف‌پذیر مبتنی بر هدف‌های بلند مدت و کوتاه مدت برای فعالیت‌های آتی آموزشگاه پیش‌بینی شود.

رئیس آموزشگاه و هیأت آموزشی باید به برنامه‌های آتی آموزشگاه توجه خاص مبذول دارند. از جمله مسائل مورد بررسی تعداد و سطح کیفی دانشجویان آتی، شماره کارمندان مورد نیاز، تغییرات برنامه آموزشی و جا و بودجه و جز آن خواهد بود. لازم است این برنامه به‌طور

منظم مورد بررسی قرار گیرد و در صورت نیاز در آن تجدید نظر شود.

همان‌طور که قبلاً گفته شد. برنامه‌ریزی‌های آموزشی تحصیلات دانشگاهی در ایران به‌صورتی متمرکز و در سطح کل کشور صورت می‌پذیرد و کمیته تخصصی کتابداری وابسته به شورای عالی برنامه‌ریزی علوم انسانی در وزارت فرهنگ و آموزش عالی مسئولیت مستقیم برنامه‌ریزی‌ها و هرگونه تغییرات کمی و کیفی را در آموزش این رشته بر عهده دارد و مصوبات این کمیته به گروه‌های آموزش کتابداری در دانشگاه‌ها ابلاغ و عمدتاً به صورتی متمرکز اجرا می‌شود. وضعیت گروه‌های کتابداری در کشور به نحوی است که به‌صورتی مستقل نقش چندانی در برنامه‌های آموزشی در گروه خود نداشته، و بیشتر مجری مصوبات و بخشنامه‌های کمیته تخصصی کتابداری مستقر در وزارتخانه متبوع خود هستند. هر چند که در کمیته تخصصی نمایندگان از چند گروه آموزش کتابداری از تعدادی از دانشگاه‌ها حضور دارند، ولی از آنجایی که تصمیمات در سطح کلان گرفته می‌شوند طبعاً به مسائل و مشکلات موجود در تعدادی از گروه‌های آموزشی که بر حسب موقعیت خاص جغرافیایی، فرهنگی، اقتصادی، و اجتماعی دارای شرایط ویژه‌ای هستند پرداخته نمی‌شود.

هر چند که در سال‌های اخیر تعدادی از مدرسان کتابداری براساس توانایی‌های خود تغییراتی در روش‌های تدریس و محتویات دروس مربوط به خود ایجاد کرده‌اند ولی به‌طور کلی انجام تغییرات بنیادی و زیربنایی از قبیل حذف بعضی از دروس، اضافه کردن دروس جدید، ادغام واحدهای درسی، کاهش یا افزایش تعداد دانشجویان، تغییرات در مقاطع تحصیلی، ایجاد گروه‌های آموزشی جدید، و نظایر آن منوط به تصمیم‌گیری‌نهایی و تصویب در کمیته تخصصی کتابداری است و از این نظر گروه‌های آموزشی به‌طور کامل و به تنهایی قادر نیستند که به برنامه‌ریزی‌های لازم با توجه به شرایط و موقعیت خاص خود بپردازند. با در نظر گرفتن اینکه قسمت زیادی از امور آموزشی، اداری و مالی گروه‌ها تحت کنترل واحدهای بزرگتری به‌نام دانشکده و بعد دانشگاه هستند و کلیه امور مربوط به برنامه‌ریزی‌های تخصصی نیز منوط به تصویب‌نهایی در کمیته تخصصی کتابداری خواهد بود، لذا گروه‌های آموزشی کتابداری در ایران برخلاف تفسیر صریح استانداردهای ایفلا در این زمینه، از استقلال کافی در اجرای برنامه‌های آموزشی و غیرآموزشی خود نیستند، و اغلب تغییرات، تصمیمات، و برنامه‌های آنها باید با واسطه صورت پذیرد که این خود از کیفیت کار به میزان نسبتاً زیادی می‌کاهد.

نتیجه‌گیری و پیشنهادات

قبل از ارائه نتیجه‌گیری کلی از این بحث، بهتر است به بیان نتیجه‌ای که جان هاروی استاد

آمریکایی کتابداری در ایران در زمینه تطابق شرایط گروه‌های آموزش کتابداری ایران با "استانداردهای ایفلا" به دست آورده است اشاره کنیم. وی در سال ۱۹۷۷ یعنی درست یک سال بعد از انتشار رسمی "استانداردهای آموزشگاه‌های کتابداری" توسط ایفلا در بیان نتیجه‌ای از یک بررسی به عمل آمده در همین سال می‌گوید "هیچ کدام از چهار گروه آموزش کتابداری در دانشگاه‌های تهران، تبریز، شیراز و مدرسه عالی ایران زمین با بسیاری از عوامل مورد نظر در استانداردهای ایفلا ۱۹۷۶ که در مورد شرایط لازم برای مدارس کتابداری تعیین شده بود مطابقت نداشته‌اند" (۵).

مقایسه تعدادی از موارد پیش‌بینی شده در "استانداردهای آموزشگاه‌های کتابداری" تصویب شده توسط ایفلا در سال ۱۹۷۶ با موارد مشابه در گروه‌های آموزشی کتابداری موجود در کشور که براساس اطلاعات به دست آمده در سال ۱۳۷۶ توسط نگارنده صورت گرفت نشان داد که متأسفانه در شرایط و وضعیت کنونی اکثریت این گروه‌های آموزشی مطابقت لازم را با آنچه این استانداردها تعیین کرده است نداشته، و به عبارت دیگر امکانات و تسهیلات آموزشی و غیرآموزشی موجود در گروه‌ها به سطح قابل قبولی در عرصه رعایت استانداردهای جهانی نرسیده‌اند. با توجه به نتایج حاصل از مقایسه عوامل منتخب از "استانداردهای ایفلا" با آنچه که در وضعیت موجود گروه‌های آموزشی کتابداری کشور به چشم می‌خورد در می‌یابیم که میزان نسبتاً زیادی از تنگناها و کمبودهای موجود که موجبات عدم تطابق با استانداردهای بین‌المللی را فراهم آورده است تابعی است از نواقص کلی در نظام آموزش عالی کشور و بدون ایجاد اصلاحات و تغییرات لازم در این زمینه، حل‌نهایی و یا بهبود نسبی مسائل و مشکلات آموزشی این رشته ممکن نخواهد بود.

عدم موقعیت مستحکم و استقلال کافی گروه‌های آموزش کتابداری از نظر تشکیلات اداری و مالی، عدم تطابق اهداف بلندمدت و کوتاه مدت آموزش با نیازهای واقعی کتابخانه‌ها، عدم تخصیص بودجه کافی و مستقل سالیانه، نبود فضای کافی و مناسب آموزشی، فقدان کتابخانه‌هایی مجهز و مستقل، کمبود مدرسان واجد شرایط تمام وقت به تعداد کافی، کمبود امکانات و تسهیلات لازم جهت تحصیلات تکمیلی مدرسان، عدم توجه کافی به آموزش‌های مستمر و مداوم حین خدمت جهت فارغ‌التحصیلان مقاطع دانشگاهی، روش ناصحیح پذیرش دانشجو، و بالاخره عدم امکان برنامه‌ریزی‌های آموزشی توسط گروه‌ها، از مجموعه عواملی هستند که در مقام مقایسه با موارد تعیین شده در "استانداردهای آموزشگاه‌های کتابداری ایفلا"، گروه‌های آموزش کتابداری را در ایران دچار بحران نموده است. در خاتمه پیشنهاد می‌گردد که ضمن جلوگیری از تأسیس گروه‌های جدید آموزش

کتابداری، بدون توجه به امکانات آموزشی موجود در دانشگاه‌ها، مطالعات کارشناسی لازم در جهت حصول حداقل شرایط تعیین شده از سوی سازمان‌های علمی و تخصصی کتابداری در ایران و کشورهای پیشرفته در این زمینه، صورت پذیرد و ترتیبی اتخاذ می‌گردد تا با تقویت اداری و مالی گروه‌های آموزشی موجود در این رشته به رفع یا کاهش مسائل و مشکلات شناخته شده در گروه‌ها اقدام گردد. عمده‌ترین شرایط لازم که نیل به آنها توسط گروه‌های آموزشی کتابداری موجود ضروری و تأمین آنها قبل از تأسیس هر گروه آموزشی جدید اجتناب‌ناپذیر می‌نماید عبارتند از:

۱. حداقل مرتبه استادیاری برای مدیران گروه؛
۲. در اختیار داشتن مدرسان تمام وقت به تعداد کافی؛
۳. دارا بودن کتابخانه‌های مجهز و مستقل برای گروه؛
۴. وجود آزمایشگاه یا کارگاه مستقل و تجهیز آن به منابع لازم جهت دروس عملی و رایانه برای آموزش؛
۵. وجود فضای مناسب و کافی آموزشی نظیر کلاس درس، دفتر کار مدرسان، دفتر کار منشی گروه، اتاق جلسات و...؛

مآخذ

۱. ایران. وزارت فرهنگ و آموزش عالی. راهنمای انتخاب رشته‌های تحصیلی برای دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی سال ۱۳۷۶. تهران، ۱۳۷۶.
2. "Standards for library schools". *IFLA Journal*, vol.2, No. 4 (1976). pp. 209-223.
۳. تعاونی، شیرین. "استانداردهای آموزشگاه‌های کتابداری". نامه انجمن کتابداران ایران. دوره نهم، شماره چهارم، زمستان ۱۳۵۵، ص: ۵۱۴-۴۸۲.
۴. همان ... ص. ۴۸۳
5. Harvey, John F. "iranian information education". *Journal of Education for library and Information Science*. vol. 29, No. 3 (winter 1990). pp. 188-189.